

عنوان:

جایگاه محبت در دین اسلام و مسیحیت

استاد رہنما:

خانم بلدی

حوزه فاطمہ معصومہ

شہراہواز

نام مولفان:

معصومہ ہادی زادہ

صفیہ عباسی صیات

شیما امید علی پور

امروزه بسیاری از مردم، به ویژه جوانان در معرض تبلیغات سایت ها و شبکه های تلویزیونی مختلف از جمله مسیحیان هستند. بیشترین تأکید شبکه های مسیحیان این است که: «مسیحیت، دین محبت است و اسلام، دین خشونت. خشونت، اساسی ترین قانون قرآن و محبت، رساترین دستور اناجیل. مسلمانان بی رحم ترین انسان های کره خاکی هستند و مسیحیان مهربان ترین آنها.» در عمده کتاب های قرون گذشته و برخی نوشته های معاصر این گونه آمده است: پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) انسانی بی رحم، ریاست طلب و کشورگشا بود که سعی کرد با زور شمشیر، قدرت و سلطنت خود را گسترش دهد. از متأخرین مسیحی که چنین تهمت هایی را تکرار کرد، «پاپ بندیکت شانزدهم» رهبر کاتولیک های جهان است. او در سخنرانی خود، به نقل قولی از یک گفتگو میان مانوئل دوم (امپراتور مسیحی بیزانس) با یک عالم دینی مسلمان ایرانی استناد کرد که گفته بود: به من نشان بده که محمد چه چیز تازه ای ارائه کرده است؟ آیا جز چیزهای بد و غیر انسانی چیز دیگری به ارمغان آورده است؟ مثلاً او حکم می کرد که ایمانی که او وضع می کند، باید با زور شمشیر گسترش یابد.

او در توضیح عبارت فوق می گوید: امپراطور مطمئناً می دانسته که در آیه ۲۵۶ از دومین سوره قرآن آمده است که هیچ اجباری در دین نیست «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۱) اما به گفته خبرگان، این سوره مربوط به دوره های ابتدایی اسلام و زمانی است که محمد قدرت نداشت و مورد تهدید بود. امپراطور مسلماً از قوانین مربوط به مبارزه مقدس (جهاد) که بعداً در اسلام وضع شد و در قرآن نیز ثبت شده، آگاه بود. اکنون به من نشان بده محمد چه چیز جدیدی به ارمغان آورده است؟؛ خواهی دید که تنها مسائل شیطانی و غیر انسانی وجود دارد؛ مانند دستور او به گسترش دینی که وی تبلیغ می کرد، از طریق شمشیر» (۲).

جواب این گونه اتهامات و تبلیغات سوء را می توان در سه مبحث پرداخت:

۱. محبت خدا در قرآن و کتاب مقدس چگونه ترسیم شده است؟
۲. احکام اسلامی، خشونت را هستند یا خشونت زدا؟
۳. رفتار مسلمانان و مسیحیان در طول تاریخ با محک محبت و خشونت چگونه بوده است؟

قرآن اصرار به بیان یکی بودن ادیان و هم نفس بودن آنها دارد

در سراسر قرآن اصرار عجیبی هست که دین، از اول تا آخر جهان، یکی بیش نیست و همه پیامبران بشر را به یک دین دعوت کرده اند. در سوره شوری آیه ۱۳ چنین آمده است: *شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی.*

خداوند برای شما دینی قرار داد که قبلا به نوح توصیه شده بود و اکنون بر تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی نیز توصیه کردیم.

قرآن در همه جا نام این دین را که پیامبران از آدم تا خاتم مردم را بدان دعوت میکردند اسلام مینهد

و در آیه ای دیگر در سوره بقره آیه ۱۳۲ درباره یعقوب و فرزندانش می گوید: *و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن الا و انتم مسلمون.*

ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود چنین وصیت کردند: خداوند برای شما دین انتخاب کرده است، پس با اسلام بمیرید.

واز این گونه بیان حقیقتها و یادآوریها که ما را بر آن میدارد که توجه کنیم که این معارف از یک چشمه است فراوان در قرآن ذکر شده است.

تفاوتهای بین ادیان توحیدی

هر چند اصل دعوت پیامبران یکی بوده است، لکن با توجه به شرایط محیطی و سطح استعداد و آگاهی مردم کم کم شریعت رو به تکامل رفته است تا آمدن پیامبر اسلام که سطح آگاهی به حدی رسیده که هم دین و شریعت را می توانستند از تحریف مصون نگه دارند و هم امکان بیان دقایق عقاید و معارف و اخلاق و نیز بیان تمام دستورات فردی و اجتماعی که در سعادت بشر نقش دارد، میسر شد. به همین جهت اسلام را دین کامل می نامیم. می توان گفت دین الهی بسان نهر بزرگی است که انسان ها در طی اعصار و قرون با کمک شریعت های الهی به آن راه یافته اند؛ اما راز تفاوت آنها این است که برای پاسخ گویی به آداب، سنن، فرهنگ و زندگی هر قوم و جامعه ای یک شریعت خاص شکل گرفته است و اگر فرض کنیم این تغییر تکاملی است، شریعت هم به سوی کمال می رود.

در زمینه دلایل تفاوت ادیان نگاههای گوناگونی وجود دارد. تکامل تدریجی بشر. اختلاف انحرافات اقوام متعدد. فراموشی بشر و دوری از فطرت به انواع گوناگون که ایجاب میکرد خداوند رحمت خویش را شامل انسانیت کند و آنها را متذکر گرداند

نگاهی به ادیان توحیدی

ادیان از دید کلی به دو مجموعه تقسیم می‌شوند: توحیدی و غیرتوحیدی. مجموعه ادیان توحیدی (شامل یهودیت، مسیحیت، آیین زردشت و اسلام) به سه اصل توحید، نبوت و معاد قائلند، ولی ادیان غیرتوحیدی هیچ یک از این سه اصل را قبول ندارند: آن ادیان به جای توحید، از شرک و به جای نبوت، از حکمت و به جای معاد، از تناسخ سخن می‌گویند. البته توحید مسیحیت با تثلیث و توحید آیین زردشت با ثنویت همراه است و پیروان هر دو دین می‌کوشند تثلیث و ثنویت خود را به هر قیمتی با اصل توحید هماهنگ کنند. درجه توفیق آنان در ایجاد این هماهنگی به داوری افراد گوناگون بستگی دارد: برخی از پیروان ادیان توحیدی بی‌درنگ آن را از ایشان می‌پذیرند، ولی برخی دیگر تسلیم تأویل‌های آنان نمی‌شوند و به پیروی از قرآن مجید تثلیث را کفر می‌دانند.

مشترکات ادیان توحیدی

در یک نگرش کلی، حقیقت همه ادیان توحیدی - که پیامبران الهی مروج و مبلغ آن بوده‌اند - یکی است و بر اصول اعتقادی یگانه - که از جانب خداوند متعال بیان شده - استوار است. اساساً در منطق قرآن کریم، «ادیان» نداریم؛ بلکه «دین» داریم و تمام پیامبران، منادی «دین واحد» بوده‌اند که از آن به «اسلام» (تسلیم در برابر خداوند واحد) تعبیر شده است: «ان الدین عندالله الاسلام؛ همانا دین در نزد خداوند فقط اسلام است» و «و من یتغ غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه؛ هر کس غیر از اسلام دینی را برگزیند از او پذیرفته نیست».

قرآن کریم دین را فقط «اسلام» و همه پیامبران را «مسلمان» می‌خواند: «ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا ولکن کان حنیفا مسلما»، ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرستی مسلمان بود.

بنابراین از دیدگاه قرآن مجید، همه پیامبران، مردم را به دین واحد؛ یعنی، اسلام، تسلیم و عبودیت در برابر خدای یگانه دعوت کرده‌اند و اصول و ارکان اعتقادی واحدی را تبلیغ کرده‌اند. بر این اساس، همه پیامبران از یک سلسله اصول مشترک و سنت‌های ثابت و واحدی پیروی می‌کردند، اصولی چون دعوت به تقوا، نفی شخصیت‌پرستی، دعوت به وحدت، تبشیر و انداز، تحمل دشمنی و استهزای جاهلان، دعوت به تعالی و ...

پیامبران و هدف و تلاش آنها به سمت یک مقصد

بر کسی پوشیده نیست و همه صاحبان ادیان الهی میدانند که پیامبران کثیری برای هدایت بشر آمده اند. تلاش کردند تمام توان خویش را با حد اعلی از دلسوزی گذاشتند تا انسانها را به خداوند وصل کنند و محبت، ایثار و دلسوزی آنها بر تاریخ پوشیده نیست. مورد بی مهریه انسانهای دنیای قرار گرفتند آنها را اذیت کردند و در مقابل اذیت آنها فقط در پی هدایت و وصل مردم به پروردکارشان بودند.

در کتب اسمانی سر گذشت آنها از جانب خداوند بازگو میشود و صفات انسان دوستی آنها به ظهور گذاشته میشود در قرآن خداوند از آنها و رسالتشان سخن میگوید و سرگذشت آنها و مردم عصر آنها را به مردم انذار میدهد پیامبر را با یاد آنها قوت قلب میدهد در سوره هود که سرگذشت چندین پیامبر در آن ذکر شده با این آیه پیامبر خطاب قرار میدهد از اخبار پیغمبران همه را برای نقل می کنیم (البته) آن را که (با نقلش) دلت را استوار می سازیم، و در این قصه ها حق به سوی تو بیامد (هیچ یک از آنها باطل و دروغ نیست، و یا حق برای روشن شدن) و برای مومنین موعظه و تذکر است. (۱۲۰)

و به آنان که ایمان نمی آورند بگو در همان وضعی که قرار دارید (هر چه می خواهید) بکنید که ما (نیز کار خود) می کنیم. (۱۲۱)

منتظر باشید که ما نیز منتظریم. (۱۲۲)

برای خداست غیب آسمانها و زمین و امور همه به سوی او بازمی گردد، پس او را بپرست و بر او توکل کن، و پروردگار تو از آنچه می کنی غافل نیست. (۱۲۳)

بیان آیات

این آیات غرضی را که سوره هود در صدد بیان آنست برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خلاصه می کند، و به او خبر می دهد که سوره مذکور بیان کننده حق کلام درباره مبدء و معاد و سنت جاری خدا در میان بندگان می باشد. پس در حقیقت این سوره برای آن حضرت جنبه تعلیم حق، و نسبت به مومنین جنبه موعظه و تذکره رادارد، همچنانکه نسبت به کفار که از ایمان به خدا استنکاف می ورزند جنبه اتمام حجت و اسکات را دارد، پس به ایشان آخرین حجت خود را برسان و بگو هر چه می خواهید بکنید ما هم هر چه به نظرم رسید می کنیم، تا ببینیم چگونه سنت خدایی آنطور که خودش بیان داشته جریان می یابد، و چگونه

محبت در دین اسلام موجی قوی به راه انداخت اصرار پر دوستی و محبت پیامبر رحمت در هدایت مردم گویای این گفتار است همانطور که در قران این نظر در چندین ایه به تصویر کشیده شده است برای نمونه در سوره توبه

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ «۱۲۸»

همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجاند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رؤوف و مهربان است.

نکته ها:

* خداوند جز بر پیامبر اسلام، بر هیچ یک از پیامبران دو نام از نام های خویش را اطلاق نکرده است. «رَؤُوفٌ، رَّحِيمٌ»

* توجه به صفات رهبران آسمانی که در این آیه مطرح است و مقایسه ی آنها با صفات دیگر رهبران بشری، لطف خدا را به بشر و لزوم اطاعت مطلق از این گونه رهبران را نشان می دهد.

مسلمانان با تاثیر از کتاب خدای خویش قران این محبت و دوستی را نه تنها برای خویش میخواهند بلکه همه ادیان را پیامبران را با نگاه محبت نظر میکند و هیچ یک را رخصتی بر بشریت نمیدهد که میان آنان تفرقه افکنده شود

آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ بقره

۲۸۵- آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَكُوتِهِ وَ كِتَابِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا غَفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ الْيَكْمُ الْمَصِيرُ

ترجمه آیات

پیامبر به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و (گفتند) ما میان هیچیک از پیغمبران خدا فرق نمی گذاریم ، و همه یک زبان و یک دل در قول و عمل اظهار کردند که ما فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم ، پروردگارا!، آمرزش تو را می خواهیم و می دانیم که بازگشت همه به سوی تو است . (۲۸۵) تفسیر نور

تقابل ادیان در عصر حاضر

در دوران کنون که صدای اعلام و تبلیغات بیش از هر صدای بلند است میبینیم که محبت را علم کرده و پرچمی توهمی با تعریفی نه درست از ان، با ان به تقابل با غیر پرداختند

مسیحیت در جهان غرب از ادیان پر جمعیت و پیروان بسیاری دارد میبینیم که تبلیغات موجود از محبتی صحبت میشود که با فطرت و ذات بشر سنخیت انچنانی ندارد غرب از محبتی حرف میزند و مسیحیتی را جلو راه میگذارد با مفاهیمی که بعضا با عقل نیز کنار نمی آیدمانند گفتارهای که در کتب مقدس خویش می آورند:

اوج محبت خدا در عهد جدید، فدا کردن یگانه پسرش عیسی. به خاطر کفاره گناهان بشر است: «خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد؛ بلکه حیات جاودان یابد.» (لوقا ۶: ۲۷ - ۳۰).

مسیحیان قائل به الوهیت مسیح اند. خدایی که در عهد قدیم به خاطر هیبتش، حتی نمی شود اسم او را آورد، در عهد جدید به روی زمین می آید و با آنها همنشین می شود.

در اثر محبت بدون ترس خدا است که مسیحیان دیگر از ترک شریعت هراسی ندارند و حتی عمل به شریعت جزء ایمان حساب نمی شود: «محض فیض نجات یافته اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست؛ بلکه بخشش خدا است و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند.» (یوحنا ۳: ۱۶).

«پولس رسول» معتقد است که شریعت جریمه انسان بود، به دلیل گناه حضرت آدم. و هنگامی که خدا عیسی. را بر روی صلیب قربانی کرد، گناه ذاتی انسان کفاره داده شد. از این رو، دیگر نیازی به شریعت نیست. او می گوید: «مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد؛ چون که در راه ما لعنت شد. چنانکه مکتوب است: ملعون است هر که بر دار آویخته شود.» (افسیسیان ۲: ۸ - ۹).

ادعاهای مسیحیان

ادعاهای مسیحیان در این بحث بدین قرار بود:

۱. گناه حضرت آدم. موجب شد که سرشت تمام انسانها آلوده شود.

۲. عیسی پسر خدا و خود خدا است.

۳. خدا برای نجات انسانها، پسرش عیسی را به صلیب کشید.

۴. شریعت بعد از قربانی عیسی جایگاهی در ایمان ندارد

محبتی که صدها فرقه و گروه را که دور از اخلاق است با ادعای انعطاف و پذیرش آنها از جانب مسیحیت، وجه تایید میدهد و به همه اجازه فعالیت و تبلیغ را برایشان مهیا میکند و به نام محبت و دوستی انواع گروههای با پیروانی کم و زیاد را زیر پر و بال خویش میگیرند و فطرت انسانیت را از این که هست از اصل خویش دور میکند گروههای مانند شیطان پرستی، همجنس گرایی، برهنگیها و روابط نامشروعی که فقط میتوان آنها را در نظام جنگل دید و یا هر گروهی که از کشور خویش طرد شده و خطری برای امنیت و یا فرهنگ و یا دین یا ایمن خویش بوده امنیت میدهد و به فعالیتهای آنها به نام نوع دوستی مهر تایید میزند.

محبتی که در غرب از آن تبلیغ میشود و آن را به مسیحیت ربط میدهند پایه و اساسی بس خطرناک برای اصول و پایه انسانیت است.

خطری را که اگر آن را خواسته بنامیم و پیرو سیاستهای مخوف است اسبیش همه جهان را میگیرد و اگر آن را ناخواسته بنامیم دست به بد معادله ای در قوانین خلقت شده است و ادیان را مایه این انحرافات خویش به کمک گرفته اند و این انحرافات اگر به نام افراط در قرون وسطی خطرناک بود اکنون به نام تفریط خطرناکتر است.

چرا تبلیغات واهی توانسته جا باز کند

تبلیغاتی با نام محبت در غرب تقابل آن بیشتر در برابر محبت اسلام قد علم کرده است و اسلام را غیر مستقیم و گاهی به صراحت دین خشونت معرفی میکند .

دینی که ادیان را در قلب خویش جای داده و به حمایت و احقاق حق آنان آمده مورد سوال قرار میدهد و از انجای که دنیای مدرن و نبض تبلیغات جهان در دست آنان است باعث چیره شدن آنان شود و اما نقش جهان اسلام در این تابلوی رسم شده نیز کم تغصیر نبوده جدایی مسلمانان از اسلام ناب محمدی وجود فرقه های افراطی دشمن بودن مسلمانان با یکدیگر ضعف آنها در مدیریت و تدبیر عدم حفظ دوستی میان خویش علل این ماجرا و واقعه تلخ روزگار ما را پررنگتر کرده است و البته نباید این را انکار کرد که غرب با تدابیر و کارکردهای علاوه بر آنکه شعار صلح و عدالت را سر داده اند این دو عنصر در آن دیار پر رنگتر جلوه کرده و مردم را به سمت و سوی آن کشانده و تا انجای پیشرفته است که به اذعان خیلی ها خصلتهای را که باید مسلمان دارا باشند و با آن زینت شوند و حق اسلامی هر مسلمانی است در میان آن مردم دیده میشود حال آنکه مسلمانان از آن تهی

است جمله جمال الدین اسد ابادی را که گفته بودند (به غرب رفتم اسلام دیدم اما مسلمان ندیدم و به شرق امدم مسلمان دیدم اسلام ندیدم) را همه ما شنیده ایم و با موجب ارتباطات کنونی این معنا برای اکثر مردم ملموس واقع شده است.

وتا انجای رنگ گرفته که شاهد گرایش به آن سمت میشویم و با شعار محبتی که آنها راه انداختند میبینیم که گرایش به مسیحیت در میان جهان و حتی مسلمانان موج جدیدی به خود گرفته است .

منابع :

سوره شورا ایه ۱۳

بقره ایه ۱۳۲

سوره هود آیات ۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-تفسیر المیزان

ایه ۳۱ آل عمران تفسیر المیزان علامه طباطبائی

افسیان ۵:۱-۲ انجیل - رومیان ۱۳:۸

یوحنا ۳۵، ۳۴، ۱۳ ترجمه تفسیر

سخنان پولس در قرن‌تیا ۸-۱۳:۴-قرن‌تیا ۱۳:۱-تفسیر قرن‌تیا ۱۳:۲-

کتاب: مسیحیت شناسی مقایسه ای - محمد رضا زیبایی نژاد انتشارات صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران
پایگاه اطلاع رسانی ایت الله مکارم

آیات ۵۰ و ۵۱ آل عمران

کتاب عیسی .شخصیتی تاریخی -منابع مستند خارجی از کتاب مقدس ور مورد اشارات تاریخی به عیسی
ناصری -نویسنده :پروفسور جاش مک داول

مقاله :مارتین لوتر مردی که به قرون وسطی فرمان ایست داد

آیات :۲۸۵ و ۲۸۶ بقره تفسیر نور

گفتارهای از کتاب لوقا -یوحنا-افسیان-غلاطیان-پیدایش ۳-۲-۱